



روایتی از حدود ۳۰ سال تلاش چهار برادر توسی برای معرفی فردوسی

چاپ ۱۰ عنوان شاهنامه شاهکار برادران شاه حسینی

۵۰۴



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

ساکن قدیمی بولوار مهران
از حال و هوای گذشته محله اش می‌گوید
نان «خدا بیامری» حسین آقا

۶



۲

شهروندان محله دانشجو
درخواست تجهیز کردن بوستان محله شان را دارند
«گل‌سا» نیمکت می‌خواهد

۷

ادای احترام اهالی منطقه ۱۲
به خانواده شهدای جنگ ۱۲ روزه
شما افتخار محله هستید



شهروندان محله دانشجو
درخواست تجهیز کردن بوستان محله شان را دارند

«گلسا» نیمکت می خواهد

فاطمه سیرجانی | فصل تابستان است و گرمای هوا بیداد می کند. زن میان سال روزنامه ای پهن کرده است و باد و فرزندش روی سبزه ها نشسته اند. آن سوتر، چند جوان زیر سایه درختی روی چمن هامشغول خوردن هندوانه هستند. داد و هوار مسئول فضای سبز برای بلند کردن آن ها از روی چمن هایی فایده است. جوان ها نبود جایی برای نشستن را بهانه می کنند و بی توجه به گلایه مرد سبز پوش دوباره مشغول صحبت می شوند و زن بی آنکه چیزی شنیده باشد، به دوردست ها خیره شده است.

اینجا انتهای بولوار مهران و ضلع جنوبی بوستان گلستا است که به دلیل نبود نیمکت و مبلمان شهری، چمن هایش همیشه آماج لگد ها است.



● ○ پارک پرتدد، بدون نیمکت

مهری موسوی، فرهنگی بازنشسته ای است که برای خرید به بازار میوه و تره بار نزدیک این بوستان آمده است. او می گوید: معمولاً من زیاد از خانه بیرون نمی آیم، مگر برای خرید میوه و سبزی از این روز بازار.

او با اشاره به فضای سبزی که در چند قدمی بازار میوه و تره بار است، می گوید: کاش اینجا هم مثل ضلع دیگر بوستان گلستا نیمکت داشت تا در صورت خستگی بتوانیم از آن استفاده کنیم. این بازنشسته آموزش و پرورش ادامه می دهد: من دو نوه دارم که بعضی وقت ها آن ها را به سالن ورزشی نزدیک خانه می آورم. متأسفانه با اینکه دو مجموعه بزرگ فرهنگی و ورزشی اینجا هست و محله پررفت و آمدی است، شهرداری حداقل چند نیمکت در این فضاهای سبز نگذاشته است تا مردم بتوانند استراحت کنند، در حالی که در جاهایی که رفت و آمد نیست، مثل راسته بولوار آموزگار، هر چند متر، نیمکتی نصب شده است.

● ○ سکوهای بدون استفاده

زن جوان مشغول دور دادن فرزندش با کالسکه است. او که خودش رازری محتشم معرفی می کند، با اشاره به نبود جایی برای نشستن می گوید: جانمایی چند نیمکت در این بوستان از ضروریات است. او که پسرش را برای شرکت در کلاس فوتبال مجموعه ورزشی گلستا ثبت نام کرده است، می گوید: منزل مادر دانشجو ۵ است. برای من سخت است که با بچه کوچک در رفت و آمد باشم. معمولاً وقتی پسر مرا می آورم، تا تمام شدن کلاسش همین جامی مانم. اگر اینجا مثل خیلی پارک های خطی شهر نیمکت داشته باشد، زمان خستگی می توانیم بنشینیم.

او با اشاره به سکوهای سنگی تعبیه شده راسته این بوستان محلی می گوید: این سکوها جای خوبی برای نشستن است، اما تکیه گاه ندارد و کثیف است و از طرفی آفتاب سوزنده صبح به طور کل نشستن روی آن ها را تحمل ناپذیر می کند.

محتشم ادامه می دهد: با اینکه در ضلع شمالی بوستان گلستا رفت و آمد کمتر است، تجهیزات خوبی وجود دارد و با وجود سکوها، نیمکت هایی هم در آنجا تعبیه شده است؛ اما در این قسمت دریغ از یک نیمکت! این یعنی یک بام و دو هوا بودن تجهیزات رفاهی بوستان ها!

● ○ در صورت تأمین اعتبار تجهیز خواهد شد

رئیس اداره فضای سبز منطقه ۱۱ با اشاره به بازدید اخیرش از بوستان های محله دانشجو، می گوید: در فضای سبز ضلع جنوبی بوستان گلستا سکوهایی احداث شده که در دسترس شهروندان است.

مهدی ضیغمی با اشاره به معماری خاص این بوستان می افزاید: نوع نیمکتی که در این بوستان کار شده از نوع نیمکت های ثابت است که در حاشیه بولوار وکیل آباد قرار دارد و منحصر به فرد است؛ یعنی جای دیگری کار نشده است. اما با توجه به مطالبات مردمی و احترام به خواسته شهروندان، در صورت تأمین اعتبار در بخش بازپیرایی بوستان ها مبلمان پارکی برای این فضای سبز در نظر گرفته خواهد شد.

رئیس اداره فضای سبز منطقه در پایان قول می دهد در صورتی که به دلیل نبود اعتبار این کار در سال جاری عملی نشود، در سر فصل اعتبارات سال ۱۴۰۵ لحاظ شود.

سیرجانی | مدیران شهرداری منطقه ۱۱، امسال با هدف اجرای پروژه های عمرانی محلی و منطقه ای، طرح هایی را مصوب کرده اند که وارد فاز اجرایی شده است.

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه در تشریح اعتبارات این حوزه گفت: کل اعتبارات عمرانی که در سال ۱۴۰۴ برای منطقه پیش بینی شده است، ۳۰۹ میلیارد تومان است که مبلغ ۱۰۸ میلیارد تومان به پروژه های عمرانی اداره عمران، ۸ میلیارد تومان به پروژه های عمرانی فضای سبز، ۶۳ میلیارد تومان به پروژه های عمرانی فرهنگی و اجتماعی، ۱۶ میلیارد تومان به پروژه های عمرانی خدمات شهری و ۱۴ میلیارد مربوط به حوزه های پشتیبانی اختصاص یافته است. به گفته میلاد کوهیار، احداث کانال خیابان های غدیر، شهید ستاری، معلم و آزادگان، بازسازی پیاده روهای بولوار معلم، سید رضی و جلال آل احمد، ایجاد زمین فوتبال ساحلی ویژه بانوان، احیای چمن ورزشی روباز پارک ملت، اجرای پیشخوان زیارت، احداث سرویس بهداشتی ثابت و احداث انبارهای بحران از پروژه های عمرانی پیش بینی شده سال جاری است که با بازگشایی اعتبارات برای شروع عملیات آن اقدام خواهد شد.

کوهیار در پایان افزود: احداث بولوار شهید فخرایی و المان یادمان شهدای بوستان ملت و جداسازی آب شرب و خام از جمله پروژه های شاخصی است که هم اکنون در حال اجراست.



رئیس اداره عمران و حمل و نقل
منطقه ۱۱ برنامه عمرانی امسال
را تشریح کرد

احداث بولوار شهید فخرایی در ۱۴۰۴

کیسه های پارچه ای برای زائران

تعدادی از بانوان منطقه ۱۱ دوهرم گردآمده اند و کیسه های پارچه ای را برای تقدیم به زائران دهه آخر صفر تولید و در اطراف حرم توزیع می کنند. بانوان فعال منطقه طی این اقدام که با حمایت فرهنگ سرای مادر و کودک انجام می گیرد، سعی دارند فرهنگ استفاده از کیسه های پارچه ای را جایگزین استفاده از کیسه های پلاستیکی کنند.



رفع سد معبر از مسیرهای اصلی

نیروهای واحد سد معبر منطقه ۱۱ در هفته گذشته، اقدام به رفع عوامل سد معبر در مسیرهای اصلی کردند. طی این طرح، در بولوارهای معلم، دانش آموز، فرهنگ، سید رضی، دانشجو، امامت و آموزگار اقدام سد معبر جمع شد. در راستای حفظ حقوق شهروندان، به برخی متخلفان نیز تذکرات لازم داده شد.

تاکسی ران ها رکاب زدند

بانوان تاکسی ران مشهدی، در همایش دوچرخه سواری بوستان ملت، مسیر دور زمین چمن را رکاب زدند. این برنامه به همت اداره تربیت بدنی شهرداری منطقه ۱۱ برپا شد و در آن، صدها بانوی دوچرخه سوار که اکثر آن ها بانوان تاکسی ران بودند، شرکت کردند. هدف اصلی از برگزاری این همایش، ترویج فرهنگ استفاده از وسایل حمل و نقل پاک بود.



● ○ تابستان فرهنگی در آرامگاه فردوسی

مدیران مجموعه باغ آرامگاه فردوسی در تابستان امسال بایک طرح فرهنگی به استقبال بچه های توس رفته اند. این برنامه با عنوان «فردوسی و فرهنگ» و با شعار «به فرهنگ باشد روان تندرست» با همکاری شورای اجتماعی و فعالان فرهنگی محله فردوسی آغاز شده است تا کودکان این محدوده تاریخی بیش از پیش با ظرفیت های فرهنگی و تاریخی این محدوده شهری آشنا شوند. تابستان امسال، بچه های توس این فرصت را دارند که از دوره های آموزش خوانش درست شاهنامه و نقالی بهره مند شوند. درباره داستان های شاهنامه نقاشی بکشند و با آرامگاه فردوسی، گنجینه و نام آوران و شهر تاریخی توس آشنا شوند.



● ○ زورآزمایی پهلوانان در مهد کشتی باچوخه

بهشتی اپیگیری های هیئت کشتی باچوخه استان خراسان رضوی و ورزش دوستان محدوده منفصل شهری توس نتیجه داد تا بعد از مدت ها پهلوانان این رشته با هم سرشاخ شوند. این رقابت هیجان انگیز و پر طرفدار در توس، بیش از شصت کشتی گیر باچوخه را به میدان رقابت کشاند تا با حفظ مرام پهلوانی مقابل یکدیگر زورآزمایی کنند. مسابقات کشتی باچوخه توس در جلوخان آرامگاه فردوسی و با هدف گسترش ورزش های پهلوانی و ترویج فرهنگ و آیین های کهن خراسان و شهر تاریخی توس برنامه ریزی و اجرا شد. اولین دور مسابقات کشتی باچوخه توس، عصر پنجشنبه هفته قبل آغاز شد و قرار است تا پایان تابستان ادامه داشته باشد.



● ○ دورهمی کتاب دختران توس

دختران فرهنگ دوست «جمعیت مروارید» در تابستان امسال و برای ایام محرم، یک گروه کتاب خوانی تشکیل داده اند. این گروه با نام «هیئت لاله های زینبی» با هدف ترویج فرهنگ مطالعه ایجاد شده و فضایی مهیا شده است تا دختران دیگری از محلات توس به جمع آن ها اضافه شوند. در این مدت، دختران مروارید علاوه بر اینکه مطالعه کتاب را آغاز کرده اند، بایک اقدام فرهنگی به هیئت مذهبی می روند و بین کودکان و نونهالان، کتاب هایی را توزیع می کنند تا آن ها را تشویق به مطالعه کنند. جلسات کتاب خوانی دختران مروارید روزهای پنجشنبه و در کتابخانه های حسینی ها و مساجد توس برپا می شود.



● ○ کربلا به روایت تعزیه خوان ها در الهیه

با وجود گذر از دهه اول محرم، بساط تعزیه خوانی در محدوده الهیه برپاست و مردم به سوگواری محرمی ادامه می دهند. محرم امسال و با حمایت گروه های مذهبی، شورای اجتماعی محلات، شهرداری منطقه ۱۲ و فعالان فرهنگی محلات بیش از چهل مراسم تعزیه خوانی در بوستان های محدوده متصل شهری منطقه ۱۲ برپا شده است و برنامه هادراین شب ها با همراهی گروه های تعزیه خوان در بوستان های نیایش، صادقیه و رحمانیه ادامه دارد.

کنارگذری برای ایمنی شهروندان

به همت شهرداری منطقه ۱۲، کنارگذر بولوار شاهنامه احداث شد. این پروژه عمرانی حدفاصل شاهنامه ۶۱ تا ۶۵ به انجام رسید و طرح آن از سوی شهروندان و کسبه این محدوده ارائه شده بود. کنارگذر آسفالتی بولوار شاهنامه در مساحتی ۹۰۰ مترمربعی و با هدف افزایش ایمنی در تردد شهروندان به سرانجام رسید.

مجموعه آبی در فاز دوم

ساخت مجموعه ورزشی بزرگ شهدای شهرداری مشهد در محدوده الهیه وارد فاز دوم اجرایی شد. هم زمان با تکمیل فاز اول این پروژه، بخش عمرانی دوم که شامل مجموعه آبی پروژه است، آغاز شد. در این بخش مجموعه آبی چند منظوره احداث می شود که مطابق با استاندارد های روز کشور و مناسب برای رقابت های ورزشی حرفه ای خواهد بود.

نصب تابلو برای راهنمایی شهروندان

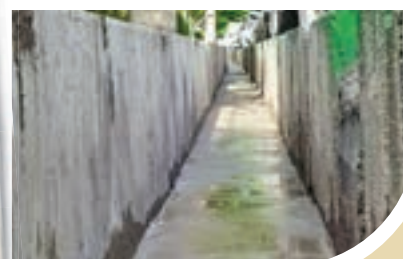
تقاطع های محدوده متصل شهری منطقه ۱۲، به تابلوهای راهنما مجهز شدند. این اقدام در راستای ایجاد انضباط ترافیکی و صرفه جویی در زمان تردد های درون شهری اجرایی شد. تابلوهای راهنما در شش تقاطع مجیدیه - سجادیه، محمدیه - رحمانیه، رحمانیه - صادقیه، امیریه - محمدیه، صادقیه - اقدسیه و سجادیه - رحمانیه نصب شدند.



پیگیری شهرآرامحله و اقدام شهرداری
اهالی حاجی آباد ۸ را از بوی بد و پشه های آلوده نجات داد

کانال تمیز، تحویل مردم

بهشتی اپیگیری های شهرآرامحله برای رفع یک مشکل محلی دیگر در چهار برج نتیجه بخش بود و با همکاری نیروهای خدمات شهری، ساکنان کوچه حاجی آباد ۸ از بوی نامطبوع و خطرات پشه های آلوده راحت شدند. شهروندی که سه هفته پیش از شرایط کانال آب های سطحی حاجی آباد ۸ گلایه داشت، در تماس با شهرآرامحله از رفع مشکل تشکر کرد. سعید رضوی، از ساکنان این معبر، گفت: بعد از گفت و گویی که با خبرنگار شهرآرامحله داشتیم و پیگیری هایی که شد، در دو مرحله نظافت کامل مسیر انجام شد. به توصیه نیروهای شهرداری منطقه ۱۲ خود مان هم گفت و گو با همسایه ها را شروع کردیم که فاضلاب و زباله در جدول نریزند.



روایتی از حدود ۳۰ سال تلاش چهار برادر توسی برای معرفی فردوسی

چاپ ۱۰ عنوان شاهنامه شاهکار برادران شاه حسینی

بزرگ از خاندانشان شده اند و انتشاراتی به نام «سخنور توس» راه اندازی کرده و چهارده عنوان کتاب در این نشر چاپ کرده اند. کتاب هایی که طبق قولی که اول راه به خودشان داده اند برای شناساندن بهتر شاهنامه است. حتی در این راستا سال هاست کارگاه مجسمه سازی راه انداخته اند و ده ها شخصیت مختلف را از دل شاهنامه بیرون کشیده و مجسمه اش را طراحی کرده و ساخته اند: مجسمه هایی که به سراسر ایران سفر کرده اند. با وجود همه این موارد، این چهار برادر که سال ها همسایه آرامگاه فردوسی بودند، در حیطه آن بازی کرده و بزرگ شده اند. همچنان خودشان را مدیون فردوسی می دانند و در تلاش اند که شاهنامه را بهتر بشناسانند. کتاب شاهنامه کامل فردوسی به عنوان تازه ترین کتاب انتشاراتی شان و مجسمه گرد آفریده به عنوان نمونه متفاوتی از مجسمه های شان به زودی روانه بازار خواهد شد.

با این برادران عاشق فردوسی و شاهنامه در کارگاهشان، مجاور آرامگاه فردوسی، درباره این علاقه شان به گفت و گو نشستیم. «علاقه» همان حس عجیبی که آدمی را پابند می کند: پابند زندگی، درس، همسر و برای این مردان، پابند «کار و محله».

فاطمه شوشتری درست در دل روزهای گرم تابستان پنجاه سال قبل، وقتی بی بی تندتند نخ های رنگی را پشت دار قالی گره می انداخت و می خواند «من رستم دستانم» تا نقش فردوسی بر فرش ابریشمی اش هویدا شود. پسرانش با این نوای مادرانه عاشق شاهنامه شدند.

عاشق رستم و سهراب، شیفته سیاوش و دل جگر داریش در گذر از آتش، دوستدار کاوه آهنگر، عاشق پهلوانی ها و به قول خودشان همه بد و خوب شاهنامه. خودشان بر این باورند که در همان روزها اشتیاق مادر در زدن نقش فردوسی، کار خودش را کرد و روزگار برای آن ها آن قدر تاب خورد و بالا و پایین شد تا در نقطه ای ایستاد که فردوسی و شاهنامه زندگی شان را بسازد.

برادران شاه حسینی بیراه هم نمی گویند. حالا هر چهار تایشان حسن، حسین، علی و اسماعیل با وجود تحصیل و حتی تجربه کارهای دیگر، سال هاست بانام فردوسی و شاهنامه اش فعالیت می کنند و از مبلغان بزرگ آن هستند. آن ها طی ۲۸ سال کار که از فروش کتاب شاهنامه شروع شد، حالا تبدیل به گروهی

تألیف ۱۰ عنوان کتاب بانام فردوسی

معرفی کنیم، به خصوص به آن هایی که شاهنامه را فقط در جنگ و ستیزی می بینند، گلچینی از شاه بیت های شاهنامه چاپ کنیم. این کتاب بعدی مان بود که در آن ۲ هزار بیت شعر فردوسی با مضمون هنر، عشق، دین و... را در شاهنامه چاپ کردیم. باورتان نمی شود که مردم چقدر خوب استقبال کردند.

آقا اسماعیل که از همه برادرها کوچک تر است و مسئولیت فروشگاه و همکاری برای چاپ و نشر را برعهده دارد، سال راه اندازی انتشاراتشان را ۱۳۹۴ عنوان می کند و می گوید: از همان زمان براساس نیازهایی که در مراجعه و صحبت های مردم دریافت می کنیم، گردآوری های مختلف شاهنامه را تهیه و چاپ می کنیم. تاکنون هم ۱۰ عنوان بانام فردوسی، شاهنامه و توس و چهار عنوان هم به نام خیام، کوروش، شمس تبریزی و زرتشت به نویسنده ها سفارش داده و منتشر کرده ایم که هر کدام بارها تجدید چاپ شده اند.

برادران شاه حسینی در تهیه و محتوای کتاب ها ابتدا خودشان هم فکری می کنند، سپس سفارشش را براساس طرح و ایده های شان به نویسنده های می دهند. آن طور که آقا اسماعیل می گوید، حاصل این کار، شده است تهیه و چاپ کتاب «داستان های شاهنامه و یژه نوجوان ها» (اولین کتاب چاپی شان)، کتاب های ۶ جلدی «داستان شاهنامه کودک» (فارسی و انگلیسی)، «زندگی نامه فردوسی»، «شاه بیت های شاهنامه»، «عاشقانه های شاهنامه»، «شاهنامه کامل به نثر»، «داستان توس» (تاریخچه)، «داستان های شاهنامه همراه با رنگ آمیزی، پازل داستان های شاهنامه همراه با خلاصه داستان ها و پارسی نگاشته» که کتابی است به نثر اما با ابیات خود شاهنامه.

آن ها در کتاب «شاهنامه کامل به نثر» سعی کرده اند شاهنامه قابل فهم تر شود. این کتاب و ویژگی هایی دارد که در هیچ یک از کتاب های شاهنامه که به نثر چاپ شده اند، نیست. طبق توضیحات علی آقا در این کتاب برای اولین بار یک نقشه جغرافیایی کامل شاهنامه آمده است. همچنین فرهنگ نام برای معرفی همه شخصیت های شاهنامه دارد. حتی به چرایی سرایش شاهنامه توسط فردوسی پرداخته و آورده شده که در این سرایش، فردوسی از چه منابعی بهره گرفته است.

خردسرای فردوسی، راهنمای بزرگ

شعار برادران شاه حسینی در این خلاصه شده است که «نگذاریم دخل و تصرفی در شاهنامه شود و حافظ آن باشیم».

با همین باور، آن ها در انتشار کتاب های شان با موضوع فردوسی و شاهنامه با خردسرای فردوسی همکاری می کنند و از راهنمایی های دکتر محمد جعفر یا حقی بهره می برند. علی شاه حسینی می گوید: طی مشورت با دکتر یا حقی کتاب پارسی نگاشته را که در حوزه نثر نوشته شده است، به خانم فرانک دوانلو سفارش داده بودیم. همچنین در حال حاضر به پیشنهاد دکتر یا حقی، شاهنامه منظوم را می خواهیم چاپ کنیم که براساس نسخه اصلی مسکوست و دکتر مهرداد به آن داستانک هایی را اضافه کرده است؛ کتابی ویژه که در آن برای خوانش بهتر، اعراب گذاری همه ابیات صورت گرفته. واژه نامه به صورت پاورقی آورده شده، فرهنگ نام دارد و منقش به تصاویر ویژه ای است. تصاویر قدیمی شاهنامه که طبق پژوهش های دانشگاه فردوسی تهیه شده، در صفحات این کتاب گنجانده شده است؛ ویژگی هایی که در شاهنامه های قبلی دیده نشده است.

شناس، از سر همسایگی با فردوسی

بزرگ شده زیر سقف همین خانه اند؛ خانه ای که سال هاست بخشی از آن به محل هنرورزی چهار برادر تبدیل شده است. خانه را ۴۱ سال قبل مرحوم پدرشان حاج ابوالقاسم شاه حسینی، وقتی می خواست به کارگاه های قالی بافی اش در توس نزدیک تر باشد، خرید.

کافی است در همسایگی آرامگاه فردوسی، پایت را از چهار چوب در همین خانه و مغازه اش به داخل بگذاری تا در آن اتاق های جادویی، میان صدها مجسمه به زمان های دیگر پرت شوی، به زمانی که رستم لباس ببر بیان به تن داشت و خودش را آماده مبارزه می کرد، به روزی که سیاوش به دل آتش زد؛ وقتی کاوه آهنگر درفش کاویانی را بالا برد، حسی که دنیای شاهنامه را پیش رویت می گذارد. کتاب های روی میز نیز همه همین را نشان می دهد. با ورق زدن و دیدن تصاویر و خواندن شاهنامه به زبان ساده نه تنها ساعت ها، بلکه می توان روزها وقت گذراند، بی آنکه دقایق برای تکراری شود. همه این ها هنر برادران شاه حسینی است. هنری که برایش ۲۸ سال زحمت کشیده اند.

اول قصه هم از یک روز داغ تابستان شروع می شود.

علی آقا که میان برادرها مسئول خرید و پخش کتاب است، می گوید: بعد از سال ها زندگی در جوار آرامگاه فردوسی، سال ۱۳۷۶ بسیج محله به ما پیشنهاد کرد برای تابستان، یک نمایشگاه محصولات فرهنگی جلو آرامگاه فردوسی راه اندازی کنیم. دانشجو بودیم و اداره این غرفه هم فصلی فقط در نوروز و تابستان بود. سال ۱۳۸۱ وقتی مدیریت مجموعه رونق کار ما را دید، پیشنهاد کرد برای فعالیت، غرفه را به داخل آرامگاه ببریم.

چاپ شاهنامه ویژه کودکان دبستانی

آن ها در غرفه داخل آرامگاه فردوسی تصمیم می گیرند برای اولین بار خودشان کتابی با موضوع شاهنامه سفارش بدهند و چاپ کنند. علی آقا می گوید: طی سال ها فعالیت متوجه خلافت کتاب شاهنامه برای گروه سنی کودک و نوجوان شده بودیم. به همین دلیل طرح و پیشنهادمان را به چند نویسنده دادیم و در نهایت با نویسندگی آقای شکوری شش جلد کتاب شاهنامه ویژه کودکان اول تا سوم دبستان تهیه کردیم. این کتاب ها با ترجمه انگلیسی و برای اولین بار در کشور همان زمان چاپ شد.

علی آقا ادامه می دهد: من عاشق خیلی از ابیات شاهنامه هستم و همیشه با خودم تکرار می کنم «بترس از خدا و میازار کس/ ره رستگاری همین است و بس». با هم فکری برادرها تصمیم گرفتیم برای اینکه شاهنامه را بهتر



۱۲

داستان جلد

شهرآرامش



هفت خان تولید مجسمه های شاهنامه

حسن آقآن قدر در این کار، عمیق و حرفه ای شده که صفر تا صد تبدیل یک طرح روی کاغذ به مجسمه ای زیبا برایش به سادگی آب خوردن است. خمیری جلودستش است و در حال قالب گیری رستم نشسته بر رخس است؛ روند کار را چنین بیان می کند: ابتدا با مراجعه به شاهنامه، یکی از شخصیت ها را از آن بیرون می کشیم. سپس طراحی اش را طوری انجام می دهیم که به باور مردم هم نزدیک باشد. این طرح را به شکل سه بعدی پرینت می گیریم یا روی خمیر درمی آوریم. بعد که طرح روی خمیر اجرا شد، قالب می زنیم. قالب آماده شده را می فرستیم ریخته گری. سپس مجسمه خارج می شود و برای پلیسه گیری به بخش دیگری می رود. با پایان این مرحله مجسمه شسته می شود، رنگ می خورد، پتینه کاری رویش انجام می شود و اگر نیاز باشد، کهنه کاری می شود.

پرسش و پاسخ با علی شاه حسینی

هرکدامتان چند بار شاهنامه را کامل خوانده اید؟

یک بار.

بیشتر مسافران کدام شهرها شاهنامه می خرند؟

تهرانی ها.

درخواست اصلی گردشگران خارجی؟

شاهنامه را به انگلیسی می خوانند و وقتی با پاسخ مثبت ما رویه رو می شوند، واقعا تعجب می کنند که کتاب فردوسی را به زبان انگلیسی داریم. البته که الان دیگر مثل سابق گردشگر خارجی نمی آید.

بیشترین درخواست مردم در خرید شاهنامه؟

شاهنامه ای می خواهند که ساده و خلاصه باشد. به بهانه اینکه وقت خواندن ندارند.

عجیب ترین درخواست های مردمی در ارتباط با شاهنامه و فردوسی؟

مثلا می گویند «تعبیر خواب فردوسی» هم دارید یا اینکه فال فردوسی بدهید. احتی برخی شاهنامه ای می خواهند که داخل جیب جا شود!

دیدگاه مشهدی ها درباره آرامگاه فردوسی؟

بازدید مشهدی ها از آرامگاه فردوسی نسبت به گذشته زیاد شده و تغییر چشمگیری کرده است و همین بهترین نشانه اصلاح دیدگاه هاست.

اولویت خرید مردم، کتاب است یا مجسمه؟

همیشه کتاب؛ خرید مجسمه در زمان های خاص بیشتر می شود.

برانداز کرد. روی یکی از میزها پر است از مجسمه رستم با گرز گاوسر. روی میز دیگری پرچم های کاوه آهنگر جفت هم چیده شده. روی میز کوچک سیاوش و اسبش در گریز از آتش اند. میز کناری آرش کمانش را به دست گرفته. روی میز بزرگ تر فردوسی به صندلی تکیه زده و ده ها طرح دیگر. داخل کارتن ها هم سر پچر خانی، به جز این ها می توانی مجسمه های رومیزی دیگری را پیدا کنی.

حسن آقا با همراهی برادرها و گروهش که متشکل از برادرزاده اش، امیررضا و چند بانوست، این مجسمه ها را می سازند. امیررضا در طراحی کمک می کند. برادرها در ارائه الگو و خودش در اجرای الگو. قالب گیری و تولید. حسن شاه حسینی بزرگ ترین این چهار برادر است که خوب به یاد دارد مادرش، بی بی ربیبه تقوی، در سال ۱۳۵۵ چطور طرح فردوسی را روی فرش نقش زد. حتی روزهایی را به یاد می آورد که با همراهی مرحوم پدرش مقابل آرامگاه فردوسی می نشست و نقالی شاهنامه را تماشا می کرد.

او با گفتن این خاطرات و نشان دادن مجسمه های داخل آرامگاه فردوسی که همیشه فکر می کرد چطور ساخته شده اند از عشقش به هنر می گوید: «در کنار کتاب های شاهنامه، دکوری و مجسمه های مرتبط را هم می فروختیم که برای تهیه به تهران سفارش می دادیم. سال ۱۳۹۰ تصمیم گرفتیم خودمان به تولید مجسمه بپردازیم. اصل کار و نیتیمان هم این بود که کپی نکنیم. به عنوان نمونه مجسمه رستم را به استاد آفتابی سفارش دادیم که طبق ایده و طرح ما چهار ماه تولیدش طول کشید؛ بعد از روی آن خودمان تولید کردیم.

حسن آقا ادامه می دهد: شاید باورتان نشود که در تولید مجسمه هم به اندازه انتشار کتاب حساس هستیم و همان طور که در کتاب های شاهنامه باید اصل حفظ شود، در مجسمه های شاهنامه هم باید همین باشد. گاهی برای تولید یک قالب هفته ها زمان می گذاریم. امیررضا روزها روی طراحی آن فکر می کند تا شخصیت های داخل شاهنامه به درستی در قالب مجسمه در آیند. هر بار هم بیشتر تلاش می کنیم تا نقص کار کم شود؛ چون خودمان راندیون فردوسی می دانیم. الان هم با همین تلاش ها موفق شده ایم ۲۷ عنوان از شخصیت های داخل شاهنامه را در قالب مجسمه در آوریم. مجسمه هایی که با آدم ها به شهرهای مختلف سفر کرده اند.

مردم شاهنامه خوان تر شده اند

حسین آقا که دبیر ریاضی است و در بخش چاپ و آماده کردن کتاب ها فعال است، بر این باور است که مردم امروز فردوسی را بیشتر می شناسند و شاهنامه دوست تر شده اند.

به گفته او گنجاندن موضوع سفر به مشهد و توس در کتاب فارسی دوم بسیار مؤثر بوده است: «خیلی از چیزهایی که مایاد می گیریم، در دوره کودکی رخ می دهد. امروز با گنجاندن درس سفر به مشهد و توس در کتاب فارسی دوم دبستان، خیلی از مسافرها وقتی برای خرید به ما مراجعه می کنند، برای کودکان کتاب شاهنامه را می خواهند و تصریح می کنند به خاطر اصرارهای فرزندانشان که در کتاب مدرسه، سفر به توس را خوانده اند، به آرامگاه آمده اند.»

او که پر فروش ترین کتاب در فروشگاه داخل آرامگاه را «شاهنامه و کودک» معرفی می کند، از شاهنامه خوان تر شدن مردم نسبت به گذشته می گوید.

به مسائل اقتصادی زیاد فکر نمی کنیم

«ذوق و علاقه است که ما را هل می دهد. شاید اگر هریک از ما چهار برادر این وقت و سرمایه رادر جای دیگری به عنوان مثال بنگاه داری صرف می کرد، از نظر اقتصادی خیلی جلوتر بود. اما همه علاقه مادر کار برای فردوسی و شاهنامه خلاصه شده است و لذت می بریم از این کار. به همین دلیل دو دو تا چهار تا نمی کنیم و در مسائل اقتصادی ریز نمی شویم. الان هم اولویت مان فقط آرامگاه فردوسی است؛ به خاطر همین کتاب هایی را که تألیف کرده ایم، فقط به باغ کتاب تهران می فرستیم و از جای دیگری سفارش قبول نمی کنیم.»

این را علی آقامی گوید و بقیه برادرها هم تأیید می کنند. او می گوید: من هر روز از آن سر مشهد خودم را به آرامگاه فردوسی می رسانم اما حتی یک روز هم حس نکردم از این رفت و آمد خسته و دلسرد شده ام. اما از برخورد مسئولان بارها دلسرد شده ام.

مدیون فردوسی ام

درست در همسایگی آرامگاه فردوسی، همان جاکه زال در مجسمه اش با زدها گلاویز شده یا آنجا که آرش کمانگیر با تمام توان، کمان پهلوانی را کشیده، با فاصله چند قدم، کارگاهی است که ریز همه این مجسمه ها را می سازد. پرده ورودی مغازه را که کنار بزی، اتاقی چهل پنجاه متری پیش چشمت ظاهر می شود با دیوارهای رنگی که نونوار شدن را انتظار می کشند. مقابل دیوارها چند میز با ابزارهای ریز و درشت و انواع مجسمه را می توان



ساکن قدیمی بولوار مهران از حال و هوای گذشته محله اش می گوید

نان «خداایامرزی» حسین آقا



محله گردی

ایستگاه
اول

فاطمه سیرجانی با حسرت به تنه چنار خشک باغچه جلو خانه نگاهی می کند و می گوید: این محله روزگاری چنان سرسبز و پراز درخت بود که همه آرزوی زندگی در این کوچه را داشتند. هر آبادانی که آمد، بخشی از صفای کوچه را هم با خود برد. رقیه حلاج مقدم بیش از سه دهه است که به همراه خانواده از خیابان پرفت و آمد امام رضا^(ع) و همسایگی بارگاه منور رضوی به اینجا آمده است. او روزهایی را به خاطر دارد که بولوار مهران و بزرگراه امام علی^(ع) وجود نداشت. انتهای دانش آموز ۱۸ دیواری گلی بود که ساکنان دانش آموز به آن «برج» می گفتند و زمین ها از آن تر بود. همین ارزانی زمین سبب شد همسرش که معلم بود، زمینی را کنار همان دیوار نصفه نیمه برج گلی به صورت اقساطی از آستان قدس رضوی بخرد. به گفته رقیه خانم، قسمتی از خیابان که بعدها جدول کشی و آسفالت شد، ماسه ای بود. به گفته قدیمی محله دانشجو می گوید آن مسیر ماسه ای نشان از وجود رودخانه یا گذرگاه آب داشت.



سال ۶۵ شوهرم در اینجا که بیشتر به بیابان شبیه بود تا آبادی، زمینی خرید. آن زمان از آب و برق خبری نبود. ما سال ۶۹ به اینجا آمدیم. حیاط خانه مان از سرسبزی، صفا داشت. سی سال بعد، آن خانه با صفا خراب شد و این ساختمان جایش را گرفت.

ایستگاه
دوم

این آپارتمان چهار طبقه قبلا خانه ای بود که خانواده اسکندری در آن زندگی می کردند. آن هایی که از اتاق های خانه را تبدیل به مغازه کرده بودند. آن زمان شیر یارانه ای و پنچ ریال بود و به هر خانواده فقط دو شیشه می دادند. جلومغازه خانواده اسکندری تا قبل رسیدن ماشین شیر و خالی کردن جعبه های سهمیه ای، همیشه صف بلند بالایی بود.

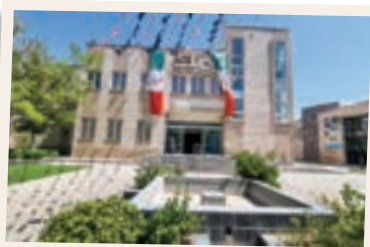


ایستگاه
سوم

اولین نانوایی محله ما همین است که در خیابان مهران قرار دارد. مالکش حسین آقانا می بود که نان خوب و خداایامرزی به دست مردم می داد. نانش تنوری بود و از محله های دیگر مشتری داشت و همیشه خدا نانوایی شلوغ بود.



ایستگاه
چهارم



ایستگاه
پنجم

فرهنگ سرای ترافیک حدود ۱۳ سال است که ساخته شده است. زمانی که فهمیدیم قرار است شهرداری اینجا ساختمانی بنا کند، خیلی خوشحال شدیم که آبادی می آید. من و یکی دو تا از همسایه ها شده بودیم مهندس ناظر و در هفته چند بار سر می زدیم تا از پیشرفت کار خبردار شویم.

ایستگاه
ششم



اولی که آمدیم، مرحوم شوهرم رفت از بالا خیابان سه درخت چنار گرفت و به ردیف جلو خانه کاشت. یکی از آن درخت ها رشد خوبی داشت. بعد چند سال، چتروار در پیاده رو بزرگ جلو خانه، سایه می انداخت. آن درخت چند سال قبل خشک شد و الان تنه خشکش مانده است.

یکی از همسایه های ما کارمند مخابرات بود. او به صورت سفارشی یک خط تلفن رند به ما داد. آن سال ها که کمتر خانه ای تلفن داشت خانه ما شده بود تلفن خانه محله. هر همسایه تازه ای که می آمد، برای کار راه اندازی شماره تلفن خانه را به او می داد. ما گاه در اتاق تلفن، سه چهار نفر به صف بودند.



ادای احترام اهالی منطقه ۱۲ به خانواده شهدای جنگ ۱۲ روزه

شما افتخار محله هستید

بهشتی ا تا همین چند روز قبل خبر نداشتند که چه مردان و زنان دلیری در همسایگی شان زندگی می کنند. نمی دانستند همسایه هایی دارند که شب و روزشان وقف امنیت شهر و کشور است و در نقاط دور و نزدیک مشغول خدمت پرافتخار پاسداری از میهن هستند. روزهای تجا و وحشیانه رژیم صهیونیستی که به کشورمان آغاز شد، کم کم پرچم هایی را در گوشه و کنار محله دیدند که برای تسلیت و تبریک شهادت هم محله ای ها و همسایه هاییشان نصب می شد. آنجا بود که متوجه شدند تعدادی از افتخار آفرینان عرصه دفاع از میهن همین جا و در کوچه و محله شان زندگی می کردند. پس به رسم ادب و احترام در این روزها با خانواده شهید ا همدرد شده اند و همراه.

● پسران دیگری دارید

عده ای با پرچم تسلیت و تبریک، برخی همسایه ها با گل و تعدادی از هم محلی ها هم با عکس شهدای آیند تا خانواده های داغ دار را در این روزهای فراق و افتخار یاری کنند. خانه ها و همسایه هایی که تا چند روز قبل، آدم های معمولی یا ناشناخته بودند و کنار سایر هم محله ای ها زندگی می کردند، حالا نماد افتخار شده اند و اهالی محله می آیند تا به آن ها همین یک جمله را بگویند: «شما مایه افتخار ما هستید.» سعید رضا حسینی یکی از اهالی محله جاهد شهر است که همراه تعدادی از همسایه ها راهی خانه شهید سید محمد مصطفوی شده است. او می گوید: کار بزرگی نمی کنیم. ما اینجا هستیم تا به پدر و مادر این شهید بگوییم اگر پسر

شجاعشان را از دست دادند، پسران دیگری حاضرند در کنار آن ها باشند. واقعا افتخار بزرگی نصیب این خانواده و کل محله ما شده است. محمد دلیری که همراه این جمع است، می گوید: ما از دوران نوجوانی آقا سید محمد را می شناختیم؛ بسیار افتاده و فروتن بود و ما هیچ وقت نفهمیدیم که چه شغل حساس و مهمی دارد. حالا هم اینجا هستیم که کنار خانواده داغ دارش باشیم.

● به رسم دهه ۶۰

خانواده احمري در آخرین روز از جنگ دوازده روزه با رژیم صهیونیستی، داغ دارد. دختر، داماد و نوه خود شدند. مهسا احمري، حامد صابر و میلان صابر در آستانه اشرفیه به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. مرتضی حیدری که به همراه همسایه ها با پرچم تسلیت و دسته گل به دیدار این خانواده آمده است، می گوید:

اتفاقی از این تلخ تر نیست که چند عزیزت را یک باره از دست بدهی. شاید شهادت مرهمی باشد برای این درد که حتما هست. چه افتخاری بالاتر از این داریم؟ ما هم آمده ایم چون وظیفه ماست. من در دهه ۶۰ در پایین خیابان زندگی می کردم. آن موقع هم همین رسم بود و همسایه ها خدمت خانواده شهدا می رسیدند.

● تکلیف است که در مراسم شهدا شرکت کنیم

مسجدی در محله الهیه، میزبان مراسم عزاداری خانواده بخشی برای فرزندشان هست. شهید مرتضی هم از آن دلاور مردان منطقه ماست که لیاقت داشت با پیشوند «شهید» این دنیا را ترک کند. او تا آخرین لحظه حیات برای دفاع از میهن تلاش کرد. همسایه ها و هم محله ای های شهید در این مراسم حضور پررنگی دارند تا همدرد با خانواده شهید باشند.

میلاد جوان رودی که در این مراسم حاضر شده است، می گوید: من تا حالا افتخار نداشته ام که این شهید عزیز یا خانواده اش را ببینم. ولی وقتی شنیدم مراسم برای شهیدی از الهیه است، خودم را به مراسم رساندم. او و خانواده اش نیاز به حضور ما دارند؛ من آمده ام تا در مجلس شهید به خودم آرامش بدهم و نشان دهم که هر که از ما شهید شود، باز ما پشت هم هستیم. محمود ناطقی هم که برای شرکت در این مراسم در مسجد امام رضا^(ع) حاضر شده است، می گوید: من در مراسم عزای دوستان و آشنایان بسیاری شرکت کرده ام، اما تصورم از این عزامتفاوت بود و احساس کردم برایم تکلیف است که در آن شرکت کنم.



نوجوان محله دانش آموز همراه خواهرش موفقیت های ورزشی را جشن گرفته است

زیبایی های کاراته در خانواده شیوا



امید محله

سیرجانی فاطمه شیوا، دانش آموز مدرسه تیزهوشان سیمپاد، از آن دسته نوجوانانی است که نه تنها سعی کرده در موضوعات علمی برترین باشد، که در موضوعات قرآنی، نماز، احکام افتخارات متعددی برای مدرسه خود کسب کرده است. اما آنچه سبب شده است فاطمه در سطح کشوری بدرخشد، حضورش در مسابقات کاراته در رده نونهالان و کسب دو افتخار در سطح استانی و کشوری است. این نوجوان محله دانش آموز در رشته ای که یک سال قبل شروع کرده درخشیده و علاوه بر برتری در مسابقات بین باشگاهی، چندمدال طلا و نقره در کارنامه ورزشی اش به ثبت رسانده است.

● ورزش را از کی شروع کردی

و چه شد که کاراته را انتخاب کردی؟
تایستان سال گذشته و در سیزده سالگی برای اولین بار به باشگاه ورزشی رفتم و در کلاس های کاراته ثبت نام کردم. انتخاب این رشته به پیشنهاد پدرم بود که از مدتی قبل، خودش به سراغ این رشته رفته بود.

● از اولین حضورت در میدان رقابت

بگو و حس و حالی که داشتی.
مسابقات کشوری سال ۱۴۰۳ در رده نونهالان در رشته کاتا اولین تجربه حضورم در مسابقه بود. در آن رقابت

استرس زیادی داشتم، اما با صحبت های مربی توانستم به آرامش برسم و مدال نقره و دومی کشوری را به دست بیاورم.

● فقط در باشگاه تمرین می کنی؟

نه، با خواهر کوچک ترم هم در خانه تمرین می کنم. اونیز در مسابقات حضور داشت؛ من فقط در رشته کاتا و خواهرم هم در کاتا و هم در کمیته شرکت کرد. او هم در یکی از رقابت ها مقام کسب کرد.

● شنیده ایم به جز ورزش، افتخارات

استانی دیگری هم کسب کرده ای؟
بله در رقابت های کنگره قرآنی و ویژه مدارس سیمپاد در رشته قرائت قرآن موفق به کسب رتبه دوم استان در سال ۱۴۰۲ شده ام.

● اوقات فراغت را چطور می گذرانی؟

چون رمان دوست دارم، خیلی کتاب می خوانم.

● شب های قبل مسابقه با خواهرت هم

تمرین می کنی؟

بله. شب های قبل مسابقه، من و خواهرم به عنوان دو حریف باهم مسابقه می دادیم. پدرم هم می شد داور ما و خیلی از خطاهای ما را می گرفت تا فردا در زمین تکرار نکنیم.

● خاطره ای از حضور هم زمان با خواهرت در مسابقات کاراته داری؟

بله. در یکی از رقابت ها دوست صمیمی خواهرم حریف مقابلش بود. خواهرم از اینکه ضربه ای به دوستش بزند، به شدت ناراحت بود. استرس خواهرم به من هم منتقل شده بود. خلاصه دوستش را شکست داد و هر دو آن روز پیروز شدیم.

● از محل زندگی ات بگو. محله دانش آموز چقدر توانسته در رسیدن تو به خواسته های کمک کند؟

وجود مجموعه های فرهنگی و ورزشی مانند فرهنگ سرای ترافیک، سالن ورزشی گلسا و استفاده از آن ها که نزدیک خانه مان هستند، خیلی تأثیرگذار بوده است.

● به آینده ورزشی و کاری هم فکر کرده ای؟

برای ورزش کاراته، ادامه این ورزش تا بالاترین درجه و پوشیدن لباس تیم ملی را در برنامه دارم. در زمینه کاری هم اگر چه تصمیم گرفتن زود است، به هوش مصنوعی خیلی علاقه دارم.





برای پیوستن به کانال شهرآرامحله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد QR را اسکن کنید



مسجد امام حسین (ع) حدود دوازده سال
پیش در سیدرضی ۵ احداث شد و علاوه بر
برنامه‌های مذهبی و معنوی، به واسطه اجرای
برنامه‌های اجتماعی خانواده‌محور، استقبال
از آن فراوان است.

وقتی از اهالی محله نشان یک شهروند قدیمی و
خاص کوچه را می‌گیریم، به محمد علی روح بخش
می‌رسیم که همین زمستان پیش در شهرآرامحله
با او محله‌گردی کردیم و از خدماتش برای آبادی
محله نوشتیم.



پاخور شکموها

بهشتی یک سر کوچه به مغازه‌های ساندویچ‌سرد و همبرگری و کنتاکی می‌رسد و یک طرف دیگر کوچه به
رستوران: به همین دلیل است که در زمان ناهار و شام، این کوچه باریک پررفت و آمد است. سیدرضی ۵
معبری فرعی در محله سیدرضی است که از سویی به جلال آل احمد ۶ می‌رسد و به واسطه کاربری ابتدا
وانتهای آن احتمالاً باید کوچه محبوب شکموها باشد.

۱۱

کوچه سیدرضی ۵
محله سیدرضی



سیدرضی ۵ را می‌توان یکی از معابر سرسبز
منطقه ۱۱ معرفی کرد، مسیری پر از درختان چنار،
کاج و توت که اکثرشان بین سال‌های ۱۳۶۰
تا ۱۳۷۰ هم‌زمان با اولین موج سکونت‌ها کاشته
شده‌اند.

فعالیت واحدهای صنفی خوراکی در ابتدا و
انتهای این کوچه، هویتی خاص و البته فضایی
بانشاط به این معبر داده است. به ویژه شب‌ها که
با حضور مردم، کوچه شلوغ و پرانرژی به نظر
می‌رسد.



دیرستان ایمان که سال ۱۳۶۳ در این کوچه
احداث شده، اولین مدرسه محله سیدرضی بوده
است و این موضوع از بنای قدیمی و آجرهای کهنه
مدرسه مشخص است.